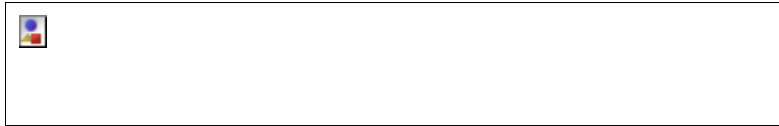


افشاریه و زندیه



صحنه ای نقاشی شده از جنگ نادر با هندی ها یا نبرد کرنال

نادر پس از پیروزی بر دشمنان خارجی و آرام کردن اوضاع داخلی کشور در سال ۱۱۴۸ هـ. ق بزرگان کشور را در دشت مغان جمع کرد و گفت چون خسته شده نیاز به استراحت دارد و بزرگان کشور می دانستند او مایل به سلطنت است، شاه عباس سوم را از سلطنت خلع کردند و حکومت افشاریه را با پادشاهی نادر اعلام کردند. نادر ۱۲ سال پادشاهی کرد و مناطق بحرین، قندهار، خوارزم و بخارا را فتح کرد و مهم ترین فتح نادر هندوستان بود علت فتح هندوستان آن بود که افغانهای باغی پس از فتح قندهار به دهلی گریخته بود و پادشاه هند حاضر به تسلیم آنها به نادر نبوده اند. نادر با لشکرکشی به هند در جنگ کرنال آنها را شکست داد و دهلی پایتخت آنها را تصرف کرد و پادشاه هند دو الماس گرانبهای کوه نور و دریای نور را تقدیم نادر کرد.



نادر اواخر عمر اخلاقیش عوض شد و بر اثر رفتارهای ناشایست و گرفتن مالیات از مردم با شورش هایی روبرو شد. هنگامی که برای سرکوبی یکی از این شورش ها به خراسان (قوچان) رفته بود جمعی از سردارانش شبانگاه به چادر وی حمله کردند و او را به قتل رساندند و پس از قتل نادر سرداران او هر کدام به محل حکومت خود بازگشتند و ادعای استقلال کردند. و چون نادر جانشین مشخصه، نداشت، در عرض یک سال ۳ نفر به سلطنت رسیدند و سرانجام نادر، نام شاه رخ

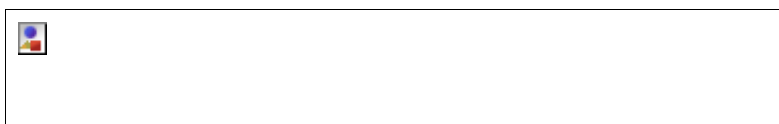


(افشاریه):

ایل افشار از زمان سلجوقیان به ایران آمدند و به زبان ترکی صحبت می کردند. رئیس آنها شخصی بنام اوشار بود که افشار از آن نام گرفته شده است. نادر یکی از افراد عادی ایل افشار از طوایف فراخلو بود که در کلات به دنیا آمد و پدرش امامقلی نام داشت و به سبب تنگدستی با پوستین دوزی زورگار می گذرانید، نادر در ۱۳ سالگی پدر خود را از دست داد، در هیجده سالگی دختر بابا علی بیک حاکم ابیورد را گرفت و داماد حاکم ابیورد شد. و بعد از پدر زنش به حکومت ابیورد رسید و زمانی که شاه تهماسب قلی یعنی تهماسب دوم دست نیاز به سوی حاکمان ایران دراز کرد به شاه جوان پاسخ مثبت داد و با فتح مشهد به تهماسب قلی یعنی بنده شاه تهماسب ملقب شد و سپس نادر در نبرد مهماندوست در نزدیکی دامغان اشرف افغان را با سی هزار سپاه افغان شکست داد و در دومین جنگ مورچه خورت در ۴۰ کیلومتری شمال اصفهان شکست سخت دیگری بر افغان ها وارد کرد و سه روز بعد از آن نادر با سپاه خود اصفهان را از دست افغانها پس از هفت سال باز پس گرفت و افغانها بسوی فارس رفتند. شاه تهماسب سریع خود را به اصفهان رساند (هشتم جماد الاولی ۱۱۴۲ ه.ق) و به دیدار مادر پیر خود که هفت سال بود به لباس مبدل کنیزی می کرد نایل گشت. نادر در آخرین جنگ خود با افغانها در زرقان در پنج فرسنگی شیراز آنها را مغلوب کرد و اشرف افغان در هنگام فرار در بلوچستان بدست فردی بلوچ کشته شد.

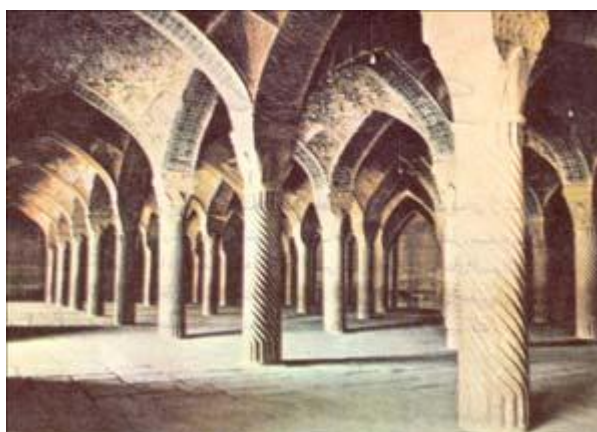


مقبره نادر در مشهد





پس از قتل نادر، سپاه بزرگ او از هم پاشیده و هر سردار که حاکم یک ناحیه بود به محل حکومت خود بازگشت و ادعای استقلال کرد. در این احوال کریم خان توانست بر دیگر مدعیان سلطنت پیروز شود و با سرکوبی آنها خود در شیراز سلسله ی زندیه را تأسیس کند و خود را وکیل الرعایا یعنی نماینده و وکیل مردم نامید. تلاش اصلی او حفظ کشور و جلوگیری از شورشهای داخلی بود و فتح بصره تنها جنگ خارجی زمان او با عثمانی ها بود. آخرین فردی که از زندها به سلطنت رسید لطفعلی خان جوان بود که با اقدامات خود بار دیگر حکومت زندیه را سر و سامان داد. ولی آقا محمد خان قاجار پسر رئیس ایل قاجار که توسط کریم خان سالها در شیراز گروگان و زندانی بود توانست با مطیع کردن برادرانش در گرگان تمام مازندران و تهران و اطراف آن را به تصرف خود در آورد و با فریفتن حاج ابراهیم خان کلانتر، صدر اعظم خان زند توسط او شیراز را تصرف کند و در تعقیب لطفعلی خان زند او را در قلعه ی بم دستگیر کرد و کمی بعد پس از نابینا کردن او را کشت و سلسله زندیه پایان پذیرفت.

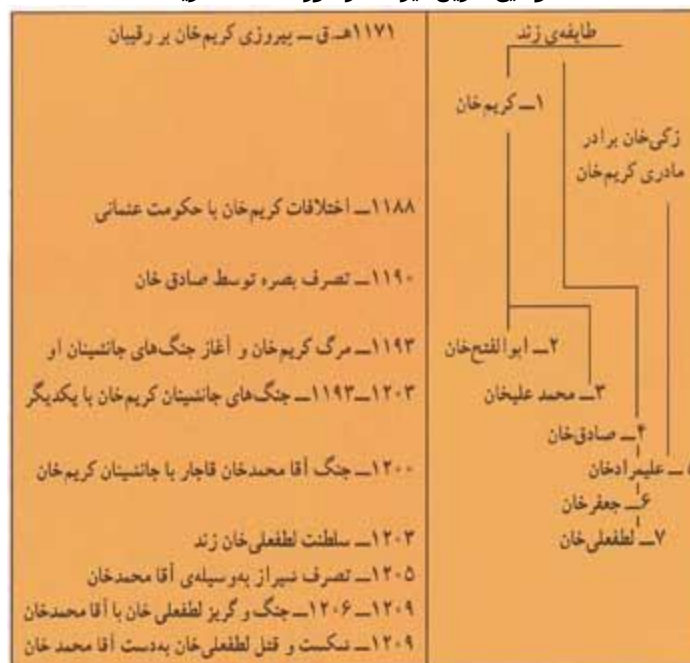


گوشه ای از مسجد وکیل

کریم خان در شیراز بناهای مهمی ساخت، روابط خوبی با مردم داشت، او چندان به تشریفات درباری علاقه نداشت و به پاس اقدام نادر خراسان را همچنان در دست شاهرخ نابینا باقی گذاشت و در دوره ی زندیه مانند دوره ی افشاریه هیچ تحول خاصی در فرهنگ و تمدن ایران صورت نگرفت زیرا قدرت خاندان زند هیچگاه بطور کامل بر ایران برقرار نشد و بیشتر در جنوب ایران توفیق داشتند و در هر گوشه ی کشور رؤسای ایلات و حکام به میل خود حکومت می کردند.



وقایع تاریخ ایران در دوره ی افشاریه



وقایع تاریخ ایران در دوره ی زندیه



هنگامی که شاهرخ نابینا در مشهد به سلطنت رسید، در هر گوشه از کشور یکی از سرداران نادر به قدرت رسیده بودند، آنان برای کسب قدرت و قلمرو بیشتر، مدام با یکدیگر مشغول جنگ بودند اما در اصفهان سه تن از سرداران نادر بنام ابوالفتح خان، علیمردان خان، کریم خان زند با هم متحد شده بودند تا یکی از بازماندگان صفویان بنام شاه اسماعیل سوم یا میرزا ابوتراب نوه ی دختری شاه سلطان حسین را به سلطنت برسانند و قدرت را میان خود تقسیم کنند. اتحاد این سه طولانی نشد زیرا ابوالفتح خان

بدست علیمردان خان کشته شد و در نتیجه کریم خان به جنگ علیمردان خان رفت و او را شکست داد. بدین ترتیب تنها سردار قدرتمند کریم خان زند بود. در این هنگام شاه اسماعیل سوم به محمد حسن خان رئیس ایل قاجار پناه برد و این امر موجب جنگ میان کریم خان با وی شد کریم خان و محمد حسن خان مدت ها با یکدیگر جنگیدند و سرانجام با شکست خوردن محمد حسن خان و قتل او بدست یکی از افراد ایل قاجار، کریم خان با از بین بردن تمام مخالفان خود به شیراز آمد (۱۱۷۳ ه.ق) و با نام وکیل الرعایا سلسله زندیه را تأسیس کرد و بیست سال حکومت نمود و تنها جنگ زمان فتح او فتح بصره بود علت لشکرکشی و فتح بصره این بود که والی بغداد با ایرانیان و زائران ایرانی بدرفتاری و متعرض مرزهای ایران می شد. کریم خان از سلطان عثمانی خواست تا او را از ارتکاب به این اعمال باز دارد اما چون سلطان عثمانی اقدامی در این باره بعمل نیاورد کریم خان توسط برادرش صادق خان بصره را فتح کرد. علت دیگر فتح بصره رقابت تجاری این بندر با بندر بوشهر بود. زیرا عثمانی ها توانسته بودند با کمک تجار اروپایی تجارت بصره را رونق بخشند و تجارت بوشهر را از رونق بیندازند پس از فتح بصره بار دیگر تجارت بوشهر فعال گردید.



بازار وکیل در شیراز از بناهای دوره ی زندیه



کریم خان زند (وکیل الرعایا)